

تأثیر تصور قالبی بر اسنادهای علی*

Effects of Stereotype on Causal Attributions

Nader Hajloo, [✉] Ph.D.

Kazem Rasoulzade Tabatabaie, Ph.D.

Parviz Azadfallah, Ph.D.

Ali Fathi Ashtiyani, Ph.D.

دکتر نادر حاجلو**

دکتر کاظم رسولزاده طباطبایی**

دکتر پرویز آزادفلاح**

دکتر علی فتحی آشتیانی***

Abstract

The purpose of this experiment was to study effects of governmental university (GU) students stereotypes about Islamic Azad University (IAU) and GU students on their attribution style about observed behaviors from GU and IAU students. 80 Tabriz GU students (32 males and 48 females) were assigned randomly in to four experiments. In each experiment condition, a target individual was introduced to the subjects with stereotype using consistent or inconsistent method. Then, they were requested to rate the importance of stable internal, unstable internal and external causes about the target behavior. the data were analyzed with multiple variable analysis of variance (MANOVA), two way analysis of variance (ANOVA), dependent t and independent t tests. The results showed that: 1) stereotype consistent behavior strongly attributed to stable internal causes, in comparison with the

چکیده

این مطالعه آثار تصور قالبی دانشجویان دولتی در مورد دانشجویان آزاد و دولتی را بر شیوه اسناد رفتارهای مشاهده شده از دانشجویان دولتی و آزاد را بررسی کرده است. در این مطالعه، ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز (۳۲ پسر و ۴۸ دختر) به طور تصادفی به ۴ موقعیت آزمایشی واگذار شدند. در هر موقعیت آزمایشی یک فرد فرضی، به روش همسان یا ناهمسان با تصور قالبی [دانشجوی دولتی یا عملکرد تحصیلی قوی (همسان با تصور قالبی) یا ضعیف (ناهمسان با تصور قالبی) و دانشجوی آزاد یا عملکرد تحصیلی قوی (ناهمسان با تصور قالبی) یا ضعیف (همسان با تصور قالبی)] به آزمودنیها معرفی شد. سپس از آنها خواسته شد تا اهمیت علل پایدار درونی، ناپایدار درونی، و بیرونی را در مورد رفتار فرد مورد نظر مشخص کنند. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا)، آنووا (دو راهه)، آزمون‌های آماری t وابسته و t مستقل تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که:

* Psychology Dept. of Tarbiat Modares University, Tehran, I. R. Iran. ✉ hajloo53@yahoo.com
Tel: +989143177974

• دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۷/۲۵، تصویب نهایی: ۱۳۸۶/۱/۱۹
• گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران
• دانشکده علوم پزشکی بقیه الله (عج) مرکز تحقیقات علوم رفتاری

stereotype inconsistent behavior, 2) stereotype inconsistent behavior strongly attributed to external or unstable internal causes, in comparison with the stereotype consistent behavior, 3) stereotype consistent behavior strongly attributed to the stable internal causes in comparison with the external or unstable internal causes, and 4) stereotype inconsistent behavior strongly attributed to the external or unstable internal causes, in comparison with the stable internal causes. The results provided approval for the effects of stereotype on causal attribution's model, and did emphasize on a relative difference between the Iranian and western societies, in the use of causal scheme for explanation of counter stereotype behavior.

Keywords: stereotype consistent behavior, stereotype inconsistent behavior, causal attributions.

۱. رفتار همسان با تصور قالبی بیشتر از رفتار ناهمسان با تصور قالبی به علل پایدار درونی نسبت داده شد. ۲. رفتار ناهمسان با تصور قالبی بیشتر از رفتار همسان با تصور قالبی به علل خارجی یا به علل ناپایدار درونی نسبت داده شد. ۳. رفتار همسان با تصور قالبی بیشتر به علل پایدار درونی نسبت داده شد تا به علل خارجی یا علل ناپایدار درونی. ۴. رفتار ناهمسان با تصور قالبی بیشتر به علل خارجی یا به علل ناپایدار درونی نسبت داده شد تا به علل پایدار درونی. در این پژوهش الگوی تأثیر تصور قالبی بر اسنادهای علی (به عنوان یک الگوی نابسته به فرهنگ) تأیید و بر تفاوت جزئی بین جامعه ایران و جوامع غربی در شیوه استفاده از روان بنه‌های علی برای تبیین رفتار ضد تصور قالبی، تأکید شد.

کلید واژه‌ها: رفتار همسان با تصور قالبی، رفتار ناهمسان با تصور قالبی، اسنادهای علی.

● مقدمه

به نظر فستینگر^۱، وقتی یک شخص به طور همزمان دو شناخت متناقض داشته باشد، او دچار ناهماهنگی شناختی خواهد شد. از آنجا که ناهماهنگی شناختی، فرد را ناراحت می‌کند پس وی برای کاهش دادن یا برطرف کردن ناهماهنگی برانگیخته می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹). بنابراین وقتی که یک فرد با رفتار «ضدتصور قالبی»^۲ فرد مورد نظر مواجه می‌شود در واقع دچار ناهماهنگی شناختی می‌گردد (چون رفتار مشاهده شده از فرد مورد نظر با شناخت وی از او، هماهنگ نیست). در نتیجه برای کاهش این ناهماهنگی دنبال راه حل می‌گردد: یا تصور قالبی خود را در مورد گروه مورد تصور قالبی تغییر می‌دهد و یا با اسناد رفتار ضد تصور قالبی به عوامل موقعیتی، تصور قالبی خود را در مورد آن گروه حفظ می‌کند (هیوستون، به نقل از ویلدر، سیمون، فایت، ۱۹۹۶).

اما با نظریه هماهنگی شناختی که اولین بار توسط هایدر^۳ مطرح شد، بهتر می‌توان در مورد

نقش تصور قالبی در شیوه اسناد رفتار فرد مورد تصور قالبی، پیش بینی کرد. نکته اصلی در این دیدگاه آن است که در نظام شناختی هر فرد، تمایلی نسبت به حرکت از یک حالت عدم هماهنگی به سوی یک حالت هماهنگی وجود دارد. طبق نظریه هایدلر، برای فهم، پیش بینی و مهار محیط اجتماعی، باید رفتار را معلول فرض کرده و منابع علی را در فرد یا در محیط جستجو کنیم. واینر^۴ (به نقل از فرگاس^۵، ۱۳۷۳) با استفاده از نظریه هایدلر در مورد اسناد، طرحی در مورد شیوه تبیین موفقیت و شکست ارائه داده است. وی معتقد است که نه تنها باید مشخص شود که یک عمل به طور درونی ایجاد شده است یا به طور بیرونی (آنگونه که هایدلر و کلی^۶ مطرح کرده‌اند)، بلکه باید مشخص کرد که علت آن عمل در طول زمان پایدار است یا ناپایدار. واینر با ترکیب این دو بعد (بیرونی - درونی، پایدار - ناپایدار) چهار مقوله اسنادی در مورد موفقیت یا شکست فراهم آورده است (درونی پایدار، درونی ناپایدار، بیرونی پایدار، بیرونی ناپایدار).

یکی از فرضهای بنیادی روانشناسی اجتماعی این است که مردم به طور افراطی گروههای خودشان را مطلوب می‌شمارند. این فرضیه به «سوگیری بین گروهی»^۷ اشاره می‌کند که مطابق آن، افراد به ارزیابی بسیار مطلوب اعضای گروه خودی در مقایسه با اعضای گروه غیر خودی، تمایل دارند. سوگیری می‌تواند رفتار نگرش و شناخت را در برگرد (مککی و اسمیت، ۱۹۹۸). این گرایش «گروه خدمتگر»^۸ می‌تواند شکل پارتی بازی به نفع درون گروه و تحقیر برون گروه را به خود بگیرد (هیوستون، روبین، ویلیز، ۲۰۰۲). برای این سؤال که چگونه تصورات قالبی سوگیری بین گروهی را توجیه می‌کنند، چند رویکرد نظری متفاوت وجود دارد. مطابق با نظریه «هویت اجتماعی»^۹ (تا جفل^{۱۰} و ترنر^{۱۱}، ۱۹۷۹؛ به نقل از هیوستون و همکاران، ۲۰۰۲) سوگیری موفقیت آمیز بین گروهی، موجب اعطای پایگاهی نسبتاً بالا به درون گروه می‌شود، که به واسطه آن یک هویت اجتماعی مثبت برای اعضای درون گروه فراهم می‌گردد و نیاز آنها به حرمت خود مثبت ارضاء می‌گردد. نظریه «مدیریت وحشت»^{۱۲} (سولومون^{۱۳} و همکاران، ۱۹۹۱؛ به نقل از هیوستون و همکاران، ۲۰۰۲) نیز سوگیری بین گروهی را محصول ترس فرد از مرگ می‌داند. مطابق با این نظریه، مردم برای مقابله با پیش بینی فناپذیری خودشان، یک نقطه نظر فرهنگی را مبنی بر ثبات و پایداری فرد، می‌پذیرند. از طرف دیگر افراد دارای حرمت خود بالا، اطمینان زیادی در رسیدن به شکلی از فناپذیری به دست می‌آورند. به همین دلیل است که اعضای درون گروه به طور مثبت ارزیابی می‌شوند، چرا که هم نقطه نظر فرهنگی و هم «حرمت خود» فرد را تقویت می‌کنند؛ اما اعضای برون گروه به طور منفی ارزیابی می‌شوند، چون آنها نقطه نظر فرهنگی و حرمت خود فرد را تهدید می‌کنند. هماهنگ با این نظریه شواهد تجربی

زیادی نشان می‌دهند که افراد زمانی سوگیری بین گروهی زیادی نشان می‌دهند که از فناپذیری‌شان، آگاه شوند. (فلوریان و میکولینسر، ۱۹۹۸). و در نهایت مطابق با نظریه «سلطه اجتماعی» (سیدانیوس، پراتو، و بوبو، ۱۹۹۴) مکانی در جامعه وجود دارند که سلسله مراتب بین گروهی را تقویت و یا تضعیف می‌کنند.

به‌طور کلی مروری بر نظریه‌های «اسناد» و نیز نظریه‌های مربوط به «سوگیری بین گروهی» که مورد بحث قرار گرفتند، تأثیر تصور قالبی بر اسنادهای علی را تأیید می‌کند. در سوگیری بین گروهی، نوعی سوگیری تبیینی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، پردازش شناختی بر حسب اینکه اطلاعات با آنچه ما انتظار داریم همسان است یا ناهمسان، متفاوت می‌باشد. عموماً، اطلاعاتی که با تصور قالبی ناهمسان هستند، پردازش اسنادی زیادی را بر می‌انگیزند، به طوریکه ادراک‌کننده می‌کوشد تا بین رفتارهای ناهمسان و تصور قالبی موجود، آشتی ایجاد کند (هاستی، ۱۹۸۴). اینکه «کامبیز» «در امتحان نمره ۲۰ گرفته است» ممکن است، به علت ناهمخوان بودن با تصور قالبی، موجب سوگیری تبیینی شود (... چون آن امتحان؛ آسان بود). از طرف دیگر فهمیدن اینکه «کامبیز» «در امتحان نمره ۸ گرفته است» به‌طور متفاوتی ممکن است باعث سوگیری تبیینی شود. نظریه‌های اسناد بحث‌های زیادی در این مورد داشته‌اند که تصورات قالبی از طریق تدارک یک منبع انتظار برای رفتار، اسنادهای علی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (دوکس^{۱۴}، ۱۹۷۶؛ جونز^{۱۵} و مک‌گیلیر^{۱۶}، ۱۹۷۶؛ به نقل از جکسون، سالیوان، و هاج، ۱۹۹۳). رفتاری که با انتظارات مبتنی بر تصور قالبی همسان است به علل درونی پایدار نسبت داده می‌شود، در حالیکه رفتار ناهمسان با تصور قالبی به علل بیرونی یا به علل ناپایدار درونی نسبت داده می‌شود (هیلمن^{۱۷}، ۱۹۸۳؛ نیوا^{۱۸} و گو تک^{۱۹}، ۱۹۸۰، به نقل از همان منبع). جالب‌ترین الگوی اسناد و تصور قالبی توسط هیوستون (به نقل از ویلدر، سیمون، فایت، ۱۹۹۶) طراحی شده که طی آن رفتار عضو برون گروه با تصور قالبی مردم از آن گروه، مقایسه می‌شود: اگر رفتار با انتظارات مبتنی بر تصور قالبی جور است، پس باورها در مورد برون گروه حفظ و احتمالاً تقویت می‌شوند. اما اگر رفتار با این انتظارات جور نیست، فرد اقدام به جستجوی یک اسناد علی برای رفتار می‌کند. اگر رفتار به یک علت ناپایدار درونی (انگیزش یا تلاش) یا یک علت بیرونی (محدودیت‌های موقعیتی؛ سختی تکلیف، شانس) نسبت داده شود، منجر به نادیده گرفتن اعمال ضد تصور قالبی خواهد شد. اما اگر رفتار به علت درونی پایدار نسبت داده شود، موجب تغییر تصور قالبی در مورد برون گروه خواهد شد. هیوستون (۱۹۹۰) با بررسی‌هایی که به عمل آورد «خطای اسنادی غایی»^{۲۰} را تأیید کرد. خطای اسنادی غایی، بسط و گسترش «خطای اسنادی بنیادی»^{۲۱}، به بافت گروهی است. خطای اسناد غایی

اشاره دارد به: گرایش به برآورد کم عوامل موقعیتی و برآورد اضافی عوامل شخصیتی در تبیین رفتار گروه مورد نظر. هیوستون در بررسیهای خود به ۳ نتیجه گیری اشاره می‌کند: ۱. «اسندهای درونی» برای اعمال مثبت «درون گروهی»^{۲۲} قوی‌تر است تا «برون گروهی»^{۲۳} در حالی که عکس آن برای اعمال منفی صادق است. ۲. شکست برون گروهی با قدرت بیشتری به فقدان توانایی نسبت داده می‌شود تا شکست درون گروهی در حالی که موفقیت برون گروهی با قدرت بیشتری به شانس خوب، تلاش زیاد و سهولت تکلیف نسبت داده می‌شود تا موفقیت درون گروهی^{۲۴}. ۳. مردم برای تبیین موفقیت درون گروهی از یک «روان بنه»^{۲۵} تک علتی (توانایی) استفاده می‌کنند، اما برای تبیین موفقیت برون گروهی از روان بنه چند علتی بهره می‌گیرند (توانایی و تلاش). در ارتباط با شکست، روان بنه تک علتی هم برای درون گروه و هم برای برون گروه به کار گرفته می‌شود، اما در هر مورد یک علت متفاوت فراخوانده می‌شود (یعنی توانایی برای شکست برون گروه، و تلاش برای شکست درون گروه).

جکسون و همکاران (۱۹۹۳) تا حدودی هر سه نکته فوق را تأیید می‌کنند به خصوص یک الگوی مقدماتی از آثار تصورات قالبی بر روی قضاوت اجتماعی پیشنهاد می‌کند. در این الگوی رفتار مورد نظر، ابتداء در مقابل معیارهای فراهم شده توسط تصور قالبی گروه، مورد قضاوت قرار می‌گیرد و یکی از دو پیامد زیر از این مقایسه حاصل می‌شود: یا رفتار مورد نظر هماهنگ با «تصور قالبی»^{۲۶} گروه است یا نیست. اگر رفتار مورد نظر با تصور قالبی گروه همسان است، پس رفتار به علل درونی یعنی توانایی و تلاش، نسبت داده می‌شود. اگر رفتار مورد نظر ناهمسان با تصور قالبی گروه است، پس به علل خارجی یا علل درونی ناپایدار، نسبت داده خواهد شد. اما شاید نتایج آزمایشهای آنها از موضوع مورد تصور قالبی تأثیر پذیرفته است. به طوریکه محققین فوق همانند اکثر محققین حوزه سوگیری بین گروهی، به مطالعه تصور قالبی سفیدپوستان در مورد سیاه‌پوستان آمریکایی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر آیا نتایج آنها در موضوعات مورد تصور قالبی دیگر و در فرهنگ دیگر، مثل تصور قالبی دانشجویان دانشگاه دولتی در مورد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ایران، نیز تکرار خواهد شد.

شواهد تجربی نشان می‌دهند که برای بررسی سوگیری تبیینی رفتار فرد مورد نظر، باید معیار درون گروهی - برون گروهی را کنار گذاشت و از معیار همسانی و ناهمسانی رفتار با «تصور قالبی» استفاده کرد. چراکه این امکان وجود دارد که عملکرد قوی فرد درون گروه به علت ناهمسانی با تصور قالبی مورد سوگیری تبیینی قرار گرفته و به عوامل بیرونی و یا علت درونی ناپایدار نسبت داده شود (سکا کو آپیوا، اسپینوزا، تامسون، وارگاس، هیل، ۲۰۰۳؛ سکا کو آپیوا و اسپینوزا،

۲۰۰۴؛ لان، میشل، بناجی، ۲۰۰۵). در نتیجه، سوگیری در تبیین رفتار فرد مورد نظر صرفاً از تمایز بین گروهی حاصل نمی‌شود، بلکه عامل اصلی همان همسانی یا ناهمسانی عملکرد مورد نظر با تصور قلبی است. بنابراین با اصل قرارداد معیار اخیر و با الهام از نظریه‌های اسناد و مطالعات تجربی مربوط به تأثیر تصورات قلبی بر «اسنادهای علی»^{۲۶}، می‌توان پیش‌بینی کرد که:

۱. رفتار همسان با تصور قلبی بیشتر از رفتار ناهمسان با تصور قلبی به علل پایدار درونی نسبت داده می‌شود.

۲. رفتار ناهمسان با تصور قلبی بیشتر از رفتار همسان با تصور قلبی به علل خارجی یا به علت ناپایدار درونی نسبت داده می‌شود.

۳. رفتار همسان با تصور قلبی بیشتر به علل پایدار درونی نسبت داده می‌شود تا به علل خارجی یا علت ناپایدار درونی.

۴. رفتار ناهمسان با تصور قلبی بیشتر به علل خارجی یا به علت ناپایدار درونی نسبت داده می‌شود تا به علل پایدار درونی. هم چنین با توجه به شواهد اندک در مورد شیوه استفاده از روان‌بنه تک علتی یا چند علتی در تبیین رفتار همسان یا ناهمسان با تصور قلبی می‌توان این سؤال را طرح می‌کرد که: چگونه از روان‌بنه‌های علی متفاوت (تک علتی و چند علتی) برای تبیین رفتار همسان یا ناهمسان با تصور قلبی، استفاده می‌شود؟ برای بررسی تجربی فرضیه‌ها و سؤال مذکور، یک آزمایش به اجرا در آمد. در این آزمایش، آثار اطلاعات همسان و ناهمسان با تصور قلبی روی اسنادهای علی بررسی شد.

● روش

○ «آزمودنیهای» آزمایش، ۸۰ نفر دانشجوی روزانه دوره کارشناسی روانشناسی دانشگاه تبریز بودند (۳۲ پسر، ۴۸ دختر) که به‌طور تصادفی انتخاب و در یکی از ۴ موقعیت آزمایشی در یک طرح فاکتوریال بین آزمودنی ۲ (نوع دانشگاه فرد مورد نظر: دولتی یا آزاد) × ۲ (نوع عملکرد فرد مورد نظر: قوی یا ضعیف) قرار گرفتند. بعداً به دلیل عدم تمایل به ادامه آزمایش و یا نقص در پرسشنامه تکمیل شده، ۵ نفر از آنها از تحلیل کنار گذاشته شدند. اطلاعات به دست آمده، با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا)، آزمون‌های آماری ۱ وابسته و ۲ مستقل تجزیه و تحلیل شد.

○ برای دستکاری متغیرهای مستقل، از تقاضانامه ساختگی فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی جهت استخدام در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استفاده شد. این تقاضانامه که ظاهراً بدنبال

آگاهی استخدام سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی، توسط داوطلبان به آن سازمان ارسال شده بود، به ضمیمه یک پرسشنامه شامل چهار صفحه می شد. صفحه اول به معرفی پژوهش و نحوه تکمیل پرسشنامه می پرداخت. صفحه دوم متشکل از اطلاعات زیر در مورد متقاضی بود: متن تقاضانامه (در دو سطر) - نام و نام خانوادگی متقاضی (که بر روی نام نوشته شده یک خط سیاه کشیده شده بود) - تاریخ تولد - محل سکونت (تبریز - خیابان سعدی) - مهارت جانبی (لوله کشی ساختمان) - سابقه کار (۲ سال در سازمان تأمین اجتماعی) - مدرک دانشگاهی (لیسانس روانشناسی بالینی) - محل اخذ مدرک تحصیلی (دانشگاه تبریز / دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز) - نمرات متقاضی در دروسهای: آمار (۱۰/۲۵ یا ۲۰)، روان سنجی (۱۰ یا ۱۹/۷۵)، آسیب شناسی روانی (۱۲/۵۰ یا ۲۰)، روانشناسی شخصیت (۱۳/۲۵ یا ۲۰) - معدل کل دوره کارشناسی (۱۲/۱۸ یا ۱۹/۸۱). اطلاعاتی که بیانگر هویت شخصی فرد مورد نظر (مثل، جنس) باشد، در این تقاضا نامه آورده نشد. برای افزایش قدرت دستکاری، در صفحه سوم تقاضا نامه یک نسخه ساختگی از مدرک کارشناسی فرد مورد نظر (که دقیقاً با فرمت یک مدرک واقعی کارشناسی مشابه بود) گنجانده شد. در این مدرک ساختگی نیز روی مشخصات فردی فرد مورد نظر (نام و نام خانوادگی و نام پدر) خط کشیده شده بود. کلیه محتویات صفحات اول تا سوم تقاضا نامه به جز اطلاعات مربوط به دستکاری نوع دانشگاه فرد مورد نظر (دانشگاه دولتی / دانشگاه آزاد) و نوع عملکرد فرد مورد نظر (قوی / ضعیف) برای همه آزمودنیها یکسان بود. صفحه چهارم تقاضانامه، حاوی ۵ مقیاس «اسناد» بود که آزمودنیها باید فرد مورد نظر را بر اساس آن ۵ مقیاس درجه بندی می کردند.

○ بر اساس نتایج مصاحبه های به عمل آمده با ۱۵ نفر دانشجوی دانشگاه دولتی معلوم شد که دانشجویان دانشگاه دولتی یک تصور قالبی مشخص در مورد وضعیت هوشی دانشجویان دانشگاه آزاد دارند. آنها معتقد بودند که میزان بهره هوشی دانشجوی دانشگاه آزاد از میزان بهره هوشی دانشجوی دانشگاه دولتی پائین است. برای تأیید این تصور قالبی، از ۲۰ دانشجوی دانشگاه دولتی خواسته شد تا وضعیت هوشی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی را در دو مقیاس ۹ درجه ای، درجه بندی کنند. نقاط انتهایی مقیاس ها از این قرار بودند: «بسیار کم» (۱) و «بسیار زیاد» (۹)، نقطه میانی نیز به صورت «متوسط» (۵) مشخص می شد. نمونه مقدماتی، هوش و عملکرد دانشجویان دانشگاه دولتی را به طور معنی دار بالاتر از هوش و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد درجه بندی کردند [هوش: $t(۲۰)=۲/۶۲$ ؛ عملکرد تحصیلی: $t(۲۰)=۳/۹۷$] و $Ps < ۰/۰۱$. هم چنین مواد هوش و عملکرد تحصیلی به طور معنی دار

همبسته بود [(دولتی: $r=0/77$ ؛ آزاد: $r=0/70$) و $Ps< 0/01$]. این همبستگی بدین معنی است که دانشجویان بین عملکرد تحصیلی و میزان هوش یک رابطه خطی مستقیم برقرار می‌کنند. به عبارت دیگر می‌توان از قضاوت دانشجویان در مورد عملکرد تحصیلی فرد مورد نظر، به نحوه قضاوت آنها در مورد وضعیت هوشی فرد مورد نظر، پی برد. در این آزمایش، همسانی رفتار افراد مورد نظر با تصور قالبی دستکاری شد و اسنادهای علی اندازه‌گیری گردید. براساس اطلاعات مقدماتی، عملکرد تحصیلی قوی (به عنوان نشانگری از هوش بالا) برای دانشجوی دانشگاه آزاد بیشتر با تصور قالبی ناهمسان بود تا برای دانشجوی دانشگاه دولتی، در حالیکه عکس آن برای عملکرد تحصیلی ضعیف دانشجوی دانشگاه دولتی (به عنوان نشانگری از هوش پائین) صادق بود (یعنی، ناهمسانی بیشتر با تصور قالبی در مورد دانشجوی دانشگاه دولتی در مقایسه با دانشجوی دانشگاه آزاد).

در آزمایش اصلی، به آزمودنیهای هر چهار گروه گفته شد که هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که «افرادی که مسئول ارزشیابی تقاضاهای استخدام نیستند، چگونه متقاضیان استخدام را ارزیابی می‌کنند؟». به آنها گفته شد که به عنوان افرادی که مسئولیت مذکور را ندارند انتخاب شده‌اند. لذا خواهشمند است ابتدا تقاضا نامه و مدارک پیوستی یک متقاضی را بدقت بررسی کرده، سپس مقیاسهای درجه‌بندی را با کشیدن دایره به دور درجه موردنظر، تکمیل نمایند. هم چنین به آزمودنیها یادآوری شد که برای جلوگیری از سوگیریهای احتمالی، تمام اطلاعات مربوط به هویت شخصی فرد متقاضی در تقاضا نامه خط خورده‌اند. به آنها اطمینان داده شد که پاسخهایشان بدون نام و امضاء بوده و هیچ تأثیری در تصمیم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در استخدام یا عدم استخدام متقاضی، نخواهد داشت.

○ ابزار پژوهش: ۵ مقیاس اسناد - «مقیاسهای درجه‌بندی اهمیت علل» (CIRS) ^{۲۷} - طراحی شد. آزمودنیها اهمیت ویژگیهای زیر را در تبیین عملکرد متقاضی، تعیین کردند: توانایی، تلاش، شانس، حمایت‌های بیرونی، و تکلیف. مقیاسهای درجه‌بندی ۹ درجه‌ای مورد استفاده قرار گرفتند، به طوریکه در آنها درجات بالاتر نشان می‌دادند که ویژگی مورد نظر در تبیین عملکرد متقاضی خیلی مهم است. این روش سنجش اسنادهای علی به‌طور قابل ملاحظه‌ای در ادبیات پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است (دوکس و امزوایلر، ۱۹۷۴؛ ایلجن ویوترز، ۱۹۸۶؛ اولری و هانس، ۱۹۸۴؛ واینر، ۱۹۸۵؛ واینر و همکاران، ۱۹۸۱؛ یارکین و همکاران، ۱۹۸۲؛ به نقل از جکسون و همکاران، ۱۹۹۳). در مطالعه مقدماتی روی ۲۰ دانشجوی دانشگاه دولتی تبریز، اعتبار هر کدام از مقیاسهای ۵ گانه به روش بازآزمایی محاسبه شد. به‌طور کلی همبستگی آزمون -

آزمون مجدد کلیه مقیاسهای اسناد برای هر چهار فرد مورد نظر (دانشجوی دانشگاه دولتی و آزاد قوی یا ضعیف)، بالاتر و در سطح ($p < 0/01$) معنی دار بود. به نحوی که همه همبستگیهای آزمون - آزمون مجدد بین ($r = 0/71$ تا $r = 0/93$) در نوسان بود.

● نتایج

میانگین اسنادها برای افراد مورد نظر دانشجوی دانشگاه دولتی و آزاد قوی یا ضعیف، در جدول ۱ ارائه می شود. اثر جنس بر روی شیوه تبیین عملکرد فرد مورد نظر، معنی دار نبود. اما مقایسه های طراحی شده نشان داد که:

□ تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) ۲ (نوع دانشگاه فرد مورد نظر: دولتی یا آزاد) $2 \times$ (نوع عملکرد فرد مورد نظر: قوی یا ضعیف) روی ۵ مقیاس اسناد بیانگر این امر بود که: اثرات نوع دانشگاه فرد مورد نظر، نوع عملکرد فرد مورد نظر و تعامل بین آنها معنی دار است (به ترتیب با؛ $0/001$ ، $0/001$ ، $0/01$ و $Ps < 0/01$ ، $13/66$ ، $12/12$ ، $3/70$). $F_{(5,69)}$ بررسی بزرگی نسبتهای F هریک از اثرها نشان داد که عملکرد فرد مورد نظر و تعامل بین نوع دانشگاه و عملکرد فرد مورد نظر در تبیین رفتارهای وی، بسیار مهمتر از نوع دانشگاه فرد مورد نظر هستند. نتایج تحلیل آنوا نشان داد که بین دو نوع دانشگاه با توجه به ۳ مقیاس اسناد توانایی، تلاش، و شانس تفاوت وجود دارد. به طوریکه برای تبیین رفتار دانشجوی دانشگاه دولتی در مقایسه با رفتار دانشجوی دانشگاه آزاد، بیشتر از توانسای و تلاش استفاده شد (به ترتیب با؛ $0/05$ ، $0/01$ و $Ps < 0/01$ و $F_{(1,71)} = 11/96$ ، $4/74$ در حالی که برای تبیین رفتار دانشجوی دانشگاه آزاد در مقایسه با رفتار دانشجوی دانشگاه دولتی، بیشتر از شانس استفاده شد ($p < 0/05$ و $F_{(1,71)} = 3/89$) برای تبیین رفتار دانشجوی دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد به یک میزان از علل حمایت بیرونی و تکلیف استفاده گردید ($10 > Ps$). بین نوع عملکرد فرد مورد نظر با توجه به چهار مقیاس اسناد توانایی، تلاش، حمایت بیرونی و تکلیف تفاوت وجود داشت. به طوریکه برای تبیین رفتار دانشجوی قوی در مقایسه با دانشجوی ضعیف، بیشتر از توانایی، تلاش و حمایت بیرونی استفاده شد (به ترتیب با؛ $0/05$ ، $0/001$ و $Ps < 0/05$ ، $4/49$ ، $15/58$ ، $24/36$). $F_{(1,71)}$ در حالی که برای تبیین رفتار دانشجوی ضعیف در مقایسه با دانشجوی قوی بیشتر از تکلیف استفاده شد ($p < 0/001$ و $F_{(1,71)} = 21/01$). از عامل شانس به یک میزان برای تبیین رفتار دانشجوی قوی و ضعیف استفاده گردید ($p > 0/10$). همچنین نتایج آزمونهای نشان داد که:

□ همسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه دولتی) در مقایسه با

جدول ۱- اسنادها به عنوان تابعی از نوع دانشگاه و نوع عملکرد هدف: آزمایش ۱

شاخص‌ها	مقیاس	عملکرد قوی		عملکرد ضعیف	
		دانشجوی آزاد	دانشجوی دولتی	دانشجوی آزاد	دانشجوی دولتی
توانایی	میانگین	۵/۰۰ ^b	۷/۷۸ ^a	۵/۲۲ ^b	۴/۵۵ ^b
	انحراف معیار	۱/۲۹	۰/۹۴	۱/۶۷	۱/۲۸
تلاش	میانگین	۶/۴۷ ^b	۶/۳۵ ^a	۳/۷۸ ^b	۵/۸۰ ^a
	انحراف معیار	۱/۷۱	۱/۲۳	۱/۴۴	۲/۰۴
شانس	میانگین	۴/۶۳ ^b	۲/۸۹ ^a	۴/۳۹ ^b	۴/۵۰ ^b
	انحراف معیار	۱/۷۷	۱/۷۱	۱/۵۰	۲/۰۹
حمایت بیرونی	میانگین	۶/۶۳ ^b	۵/۱۷ ^a	۴/۷۸ ^b	۵/۳۵ ^a
	انحراف معیار	۱/۶۴	۱/۶۵	۰/۸۸	۲/۲۸
تکلیف	میانگین	۲/۶۱ ^a	۴/۷۴ ^b	۶/۲۰ ^c	۴/۵۶ ^b
	انحراف معیار	۱/۶۱	۱/۱۵	۲/۰۷	۱/۴۲

۵ حجم نمونه برای هر یک از گروه‌های چهارگانه بین ۱۸-۲۰ نفر بود. برای درجه‌بندی اهمیت علل از مقیاس‌های ۹ درجه‌ای استفاده شد. درجات بالاتر بیانگر اهمیت زیاد علت مورد نظر در تبیین عملکرد فرد مورد نظر بود. در میانگین‌های ردیف، میانگین‌هایی که اندیس پایین آنها از همدیگر متفاوت است، در سطح $p < ۰/۰۵$ از هم تفاوت دارند. هم چنین در میانگین‌های ستون، میانگین‌هایی که اندیس بالای آنها از همدیگر متفاوت است، در سطح $p < ۰/۰۵$ از هم تفاوت دارند.

ناهمسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه آزاد) بیشتر به توانایی نسبت داده شد ($p < ۰/۰۰۱$ و $t_{(33)} = ۷/۴۴$). از طرف دیگر بین میزان اسناد ناهمسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه دولتی) و همسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه آزاد) به توانایی، تفاوتی وجود ندارد ($p < ۰/۰۵$). (البته در سطح $p < ۰/۱۰$ در مقایسه فوق تفاوت معنی دار وجود دارد). به طوریکه عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه آزاد بیشتر از عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه دولتی با عامل توانایی تبیین شد). بنابراین برای حمایت از این پیش بینی که همسانی رفتار با تصور قالبی، بیشتر به علل پایدار درونی نسبت داده می‌شود تا رفتار ناهمسان با تصور قالبی حمایت جزئی فراهم شد.

□ ناهمسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه دولتی) بیشتر از همسانی رفتار با تصور قالبی (عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه آزاد) به تلاش و تکلیف نسبت داده شد (به ترتیب با؛ $p < ۰/۰۱$ و $t_{(33)} = ۳/۴۹, ۲/۸۲$). در حالی که نقش شانس و حمایت بیرونی در تبیین هر دو رفتار فوق، به یک اندازه بود ($p > ۰/۱۰$). از طرف دیگر، رفتار ناهمسان با

تصور قالبی (عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه آزاد) بیشتر از رفتار همسان با تصور قالبی (عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه دولتی) به حمایت‌های بیرونی، شانس و تکلیف نسبت داده شد (به ترتیب با؛ $0/01, 0/01, 0/001$ و $P_s < 0/01, 0/01, 0/001$ و $t_{(30)} = 2/70, 3/04, 4/64$). در حالی که هر دو رفتار فوق به یک میزان به عامل تلاش نسبت داده شدند ($p > 0/10$). این نتایج تا حدود زیادی از این فرضیه که رفتار ناهمسان با تصور قالبی بیشتر از رفتار همسان با تصور قالبی، به علل خارجی یعنی، سهولت تکلیف، حمایت بیرونی و شانس) یا به علل ناپایدار درونی (یعنی، تلاش) نسبت داده می‌شود، حمایت کرد.

□ عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه دولتی (رفتار همسان با تصور قالبی) بیشتر به توانایی نسبت داده شد تا به تلاش، حمایت بیرونی، شانس و تکلیف (به ترتیب با؛ $0/001$ و $P_s < 0/001, 0/001, 0/001$ و $t_{(30)} = 5/51, 5/79, 10/24$). عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه آزاد (رفتار همسان با تصور قالبی) نیز بیشتر به توانایی نسبت داده شد تا به تلاش، $p < 0/01$ و $t_{(30)} = 3/15$). هر چند میانگین‌های علل شانس، حمایت بیرونی، و تکلیف برای عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه آزاد، کمتر از میانگین عامل توانایی (یعنی در جهت پیش‌بینی شده) بود، ولی این مقایسه‌ها نتایج معنی‌داری را در پی نداشت ($P_s > 0/10$). نتایج فوق حاکی از تأیید این فرض بود که رفتار همسان با تصور قالبی، بیشتر به علل پایدار درونی نسبت داده می‌شود تا به علل خارجی یا علل ناپایدار درونی.

□ عملکرد ضعیف دانشجوی دانشگاه دولتی (رفتار ناهمسان با تصور قالبی) بیشتر به تلاش و تکلیف نسبت داده شد تا به توانایی (به ترتیب با؛ $0/01, 0/01$ و $P_s < 0/05, 0/01$ و $t_{(30)} = 2/44, 3/03$). در تبیین عملکرد قوی دانشجوی دانشگاه آزاد (رفتار ناهمسان با تصور قالبی) نیز بیشتر از توانایی استفاده شد تا تلاش و حمایت بیرونی (به ترتیب با؛ $0/01$ و $P_s < 0/01, 0/01$ و $t_{(30)} = 2/98, 3/01$) اما علل شانس و تکلیف به همان اندازه عامل توانایی، برای تبیین رفتار فوق‌بکار رفتند ($P_s > 0/10$). این نتایج نیز به اندازه کافی حمایتی بود برای این پیش‌بینی که رفتار ناهمسان با تصور قالبی بیشتر به علل خارجی یا علل ناپایدار درونی نسبت داده می‌شود تا علل پایدار درونی.

روش دیگر برای بررسی اسنادهای بین‌گروهی، بررسی این موضوع است که آیا آزمودین‌ها برای تبیین عملکرد فرد مورد نظر، از روان‌بنه تک‌علتی استفاده می‌کنند یا از روان‌بنه چندعلتی (هیوستون و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از جکسون و همکاران، ۱۹۹۳). نتایج مقایسه میانگین هر کدام از مقیاسهای اسناد در هر گروه (جدول ۱) نشان می‌دهد که:

□ عملکرد قوی فرد مورد نظر درون‌گروه (دانشجوی قوی دانشگاه دولتی) بیشتر

به توانایی نسبت داده شد تا به تلاش شانس حمایت بیرونی، و تکلیف ($P_s < 0/001$) و $10/34 < t_{(117)} < 5/50$). در حالی که عملکرد قوی فرد مورد نظر برون گروه (دانشجوی قوی دانشگاه آزاد) به طور برابر به تلاش و حمایت بیرونی نسبت داده شد ($p < 0/10$ و $t_{(118)} = 0/30$). برای تبیین رفتار درون گروه قوی، تلاش مهمتر از شانس، حمایت بیرونی، و تکلیف بود ($0/001, 0/05, P_s < 0/001$ و $6/18 < t_{(117)} < 10/92$) ولی برای تبیین رفتار برون گروه قوی، تلاش مهمتر از توانایی، شانس و تکلیف بود ($0/01 < P_s$ و $3/70 < t_{(118)} < 2/88$). بنابراین آزمودنیها برای تبیین عملکرد قوی درون گروه (رفتار همسان با تصور قالبی) بیشتر از روان بنه تک علتی (توانایی) استفاده کردند، ولی برای تبیین عملکرد قوی برون گروه (رفتار ناهمسان با تصور قالبی) بیشتر از روان بنه چند علتی (تلاش و حمایت بیرونی) استفاده کردند.

□ عملکرد ضعیف فرد درون گروه (دانشجوی ضعیف دانشگاه دولتی) بیشتر به تلاش و تکلیف نسبت داده شد تا به توانایی (به ترتیب با $0/01, 0/05$ و $p < 0/03, 2/44 = t_{(119)}$). هم چنین از لحاظ اسناد به تلاش و تکلیف، تفاوتی وجود نداشت ($p > 0/10$ و $t_{(119)} = 0/56$). در حالی که عملکرد ضعیف فرد برون گروه (دانشجوی ضعیف دانشگاه آزاد) بیشتر به توانایی نسبت داده شد تا به تلاش ($p > 0/01$ و $t_{(117)} = 3/15$). برای برون گروه به یک میزان از توانایی؛ حمایت بیرونی، شانس، و تکلیف استفاده شد ($0/05 > p_s$ و $2/65 < t_{(117)} < 1/33$). بنابراین آزمودنیها برای تبیین عملکرد ضعیف اهداف درون گروه از روان بنه چند علتی استفاده کردند. با این تفاوت که برای درون گروه از تلاش و تکلیف و برای برون گروه از توانایی و حمایت بیرونی استفاده شد.

● بحث

به طور کلی نتایج آزمایش این پژوهش هماهنگ با یافته‌های هیوستون (۱۹۹۰)، جکسون و همکارانش (۱۹۹۳) «الگوی تأثیر تصورات قالبی بر اسنادها» را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این الگوی، رفتار مورد نظر ابتداءً در مقابل معیارهایی که توسط تصور قالبی گروه آماده شده‌اند مورد قضاوت قرار می‌گیرد. از این مقایسه یکی از دو پیامد، زیر حاصل می‌شود: یا رفتار مورد نظر به طور ارزیابانه هماهنگ با تصور قالبی گروه است یا هماهنگ نیست. اگر رفتار مورد نظر با تصور قالبی گروه همسان است. پس اسنادها بیشتر به علل درونی، یعنی توانایی و تلاش، نسبت داده خواهد شد. ولی اگر رفتار مورد نظر ناهمسان با تصور قالبی گروه است اسنادها به علل خارجی یا به علت درونی ناپایدار، نسبت داده خواهد شد. البته موفقیت و شکست فرد مورد نظر در تعامل با

درون گروهی و یا برون گروهی بودن وی، تغییرات جزئی در الگوی فوق بوجود می آورد. در آزمایش ما رفتار همسان با تصور قالبی بیشتر از رفتار ناهمسان با تصور قالبی به توانایی نسبت داده شد. برای تبیین رفتار همسان با تصور قالبی، بیشتر از علل درونی پایدار (توانایی) استفاده شد تا از علل ناپایدار درونی یا علل خارجی. در حالی که برای تبیین رفتار ناهمسان با تصور قالبی، بیشتر از علت ناپایدار درونی (تلاش) یا از علل بیرونی (شانس، حمایت بیرونی، و تکلیف) استفاده گردید (سکا کوآپتیو و اسپینوزا، ۲۰۰۴؛ هیوستون، ۱۹۹۰؛ جکسون و همکاران، ۱۹۹۳). اثر نخست برای فرد درون گروه بیشتر بود تا برای برون گروه. اما اثر دوم هم برای درون گروه و هم برای برون گروه قوی تر بود. بنابراین تشابه یافته‌های ما در ایران با یافته‌های خارجی مخصوصاً آمریکایی (مثل، هیوستون، ۱۹۹۰؛ جکسون و همکاران ۱۹۹۳) حاکی از این است که سوگیری بین گروهی در همه جا حاضر است. به عبارت دیگر فارغ از تأثیر فشارهای فرهنگی بر روابط بین گروهی، خطاهای اسناد نفوذ چشمگیری در قضاوت اجتماعی انسان دارند. لازم است پژوهش‌هایی صورت گیرد تا تعمیم‌پذیری این الگوی را با استفاده از گروههای مورد تصور قالبی متفاوت (مثل: فقرا چاق‌ها بزهکاران و ...) و انواع مختلف اطلاعات ضد تصور قالبی، بیازمایند.

با توجه به پیشنهاد هیوستون و همکاران (۱۹۹۰) در خصوص شیوه استفاده از روان بنه‌های علی برای تبیین رفتار افراد درون گروه و برون گروه، تحلیل دیگری در مورد الگوی اسنادها صورت گرفت. نتایج این تحلیل از پیشنهاد هیوستون و همکاران و نتایج مطالعه جکسون و همکاران (۱۹۹۳) حمایت جزئی بعمل آورد. هماهنگ با پژوهش آنها یافته‌های ما نشان داد که روان بنه تک علتی (توانایی) برای تبیین موفقیت‌های درون گروه به کار می‌رود. در حالی که برای تبیین موفقیت‌های برون گروه از روان بنه چند علتی (تلاش و حمایت بیرونی) استفاده می‌شود. گفتنی است که در مورد اخیر تفاوتی با یافته‌های قبلی به چشم می‌خورد و آن هم استفاده از حمایت بیرونی در کنار تلاش به عنوان تبیین چند علتی برای موفقیت برون گروهی است (در یافته‌های قبلی برای تبیین عملکرد قوی برون گروه به روان بنه چند علتی توانایی و تلاش تأکید شده بود). هم چنین بر خلاف یافته‌های هیوستون و همکاران وی و نیز جکسون و همکاران وی، برای تبیین عملکرد ضعیف درون گروهی و برون گروهی از روان بنه چند علتی (به جای تک علتی) استفاده شد ولی به شکل متفاوت. به طوریکه برای درون گروه از روان بنه چند علتی تلاش و تکلیف و برای برون گروه از روان بنه چند علتی توانایی و حمایت بیرونی استفاده گردید. از آنجاکه این قسمت از یافته‌های ما با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های هیوستون و جکسون

(علیرغم یکسانی نتایج آن دو پژوهش) متفاوت است، لذا حداقل دو احتمال را نباید از نظر دور داشت: اول اینکه، تفاوت در نتایج بین این پژوهش و پژوهش های مذکور، ناشی از تفاوت در موضوع مورد بررسی به عنوان تصور قالبی است. به طوریکه پژوهش های قبلی، از تصور قالبی نژادی (تصور قالبی سفیدپوستان در مورد سیاه پوستان) بیشتر به عنوان موضوع مورد تصور قالبی استفاده کرده اند. در حالیکه در پژوهش ما موضوع مورد تصور قالبی یک موضوع آکادمیک بود، یعنی تصور قالبی دانشجویان دانشگاه دولتی در مورد دانشجویان دانشگاه آزاد ایران (هر دو از یک نژاد). به عبارت دیگر شاید در تصورات قالبی با موضوع نژادی و تصورات قالبی با موضوع آکادمیک، به شیوه متفاوتی از روان بنه های علی استفاده می شود. دوم اینکه شاید صرف نظر از تفاوت در موضوع مورد بررسی به عنوان تصور قالبی، عوامل فرهنگی و اجتماعی در شیوه استفاده از روان بنه های علی دخالت داشته باشند. چراکه کارهای انجام شده در آمریکا به نتایج یکسانی منجر شده اند، ولی کار مشابه در ایران نتایج تقریباً متفاوتی را بدست داده است. نتیجه اخیر یعنی استفاده از روان بنه چند علتی به جای تک علتی برای تبیین عملکرد ضعیف درون گروه و برون گروه که متفاوت با نتایج به دست آمده در آمریکا (استفاده بیشتر از روان بنه تک علتی) است، تا حدودی منصفانه به نظر می رسد که شاید ریشه در هنجارهای دینی، اجتماعی، و شیوه های تربیتی جامعه ایران دارد. البته این تبیینها نیازمند بررسی تجربی طی آزمایشهای آتی است.

○ نتایج این پژوهش، سه سؤال مهم را پیش روی ما می گذارد که برای پاسخگویی به آنها لازم است آزمایشهای دیگری اجرا شوند: سؤال اول این است که آیا زمانی که ترجیح برون گروهی وجود دارد، باز هم همان الگوی تأثیر پذیری اسنادهای علی از همسانی رفتار با تصور قالبی، بر قرار است؟ به عبارت دیگر آیا سوگیری بر علیه درون گروه تغییری در الگوی مذکور بوجود نمی آورد؟ سؤال دوم این است که آیا نتایج، قابل تعمیم به مقیاس های دیگر اسنادها هستند. هر چند مقیاس های اسناد بکار رفته در آزمایش ما، در پژوهش های قبلی مکرراً بکار رفته اند، با وجود این از بعضی جهات قابل انتقاد هستند (راسل، ۱۹۸۲؛ راسل، مک اولی، تاریکو، ۱۹۸۷). برای مثال، این مقیاسها معلوم نمی کنند که آیا درجه بندی های آزمودنیها، اهمیت عامل علی را نشان می دهند یا اینکه بیان می کنند که چقدر عامل علی (برای مثال، سطح توانایی فرد مورد نظر) می تواند عملکرد معین را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بهتر است در آزمایشی دیگر، «مقیاس بعد علی»^{۲۸} (راسل؛ ۱۹۸۲) گنجانده شود تا درجه بندیهای آزمودنیها از اهمیت علل و اسنادهای «خود ارائه شده»^{۲۹} آنها بر روی سه بعد علی «کانون علیت»^{۳۰}، «ثبات»^{۳۱} و

«مهار پذیری»^{۳۲} مورد سنجش قرار گیرد. و سؤال سوم اینکه، آیا با توجه به اینکه نتایج این پژوهش و پژوهشهای قبلی حاکی از اسناد عملکرد ناهمسان با تصور قالبی به علت درونی ناپایدار (تلاش) و یا علل بیرونی است می‌توان با دستکاری اسنادها به نحوی که عملکرد ناهمسان با تصور قالبی به علل درونی پایدار نسبت داده شود، تصور قالبی را تغییر داد؟ جواب سؤال اخیر توسط ویلدر و همکارانش (۱۹۹۶) به طور ناقص ارایه شده است. به طوریکه محققین مذکور تأثیر دستکاری اسنادها را صرفاً بر روی تصور قالبی آشکار مورد آزمایش قرار داده‌اند. بنابراین آزمایشی لازم است تا تأثیر دستکاری اسنادها را بر روی هر دو سطح آشکار و ناآشکار تصور قالبی بررسی کند.

○ ○ ○

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| 1- Festinger | 2- counter-stereotype |
| 3- Heider | 4- Weiner |
| 5- Forgas | 6- Kelly |
| 7- Inter-group bias | 8- Group-serving |
| 9- Social identity | 10- Tajfel |
| 11- Turner | 12- Terror management |
| 13- Solomon | 14- Deaux |
| 15- Jones | 16- McGillis |
| 17- Heilman | 18- Nieva |
| 19- Gitek | 20- Ultimate attribution error |
| 21- Fundamental attribution error | 22- Intergroup |
| 23- Out group | 24- Schema |
| 25- Stereotype | 26- Causal attribution |
| 27- Causal Importance Rating Scales | 28- Causal Dimension Scale |
| 29- Self-generated | 30- Locus of causality |
| 31- Stability | 32- Controllability |

منابع

- فرگاس، ج. پی. (۱۳۷۳). روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی). ترجمه بیگی، خشایار و فیروز بخت، مهر داد. تهران: ایجد.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش. تهران: نشر ویرایش.
- Florian, V.; Mikulincer, M. (1998). Terror management in childhood: Does death

- conceptualization moderate the effects of mortality salience on acceptance of similar and different others? *Pers. Soc. Psychol. Bull.* 24, 1104-1112.
- Hastie, R. (1984). Causes and effects of causal attribution. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 44-56.
- Hewstone, M.; Rubin, M.; & Willis, H. (2002). Inter group bias. *Annu. Rev. Psychol.* 53, 575-604.
- Hewstone, M. (1990). The (ultimate attribution error)? A review of the literature on inter group causal attribution. *European Journal of Social Psychology*, 20, 311-335.
- Hewstone, M.; & Ward, C. (1985). Ethnocentrism and causal attribution in Southeast Asia. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 614-623.
- Jackson, L. A.; Sullivan, L. A.; & Hodge, C. N. (1993). Stereotype effects on attributions, Prediction: NO two Social Judgments are quite alike. *Journal Personality and Social Psychology* 65, 69-84.
- Lanc, K. A.; Mitchell, J. P.; & Banaji, M. R. (2006). *Implicit group evaluation: In group Mitchell preference, out group preference and the rapid creation of implicit attitudes.*
- McKie, D. M.; & Smith, E. R. (1998). Inter group relation: Insights from a theoretically integrative approach. *Psychol. Rev.* 105, 499-529.
- Russell, D. (1982). The Causal Dimension Scale: A measure of how individuals Perceive Causes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44, 1137-1147.
- Russell, D. W.; McAuley, E.; & Tarico, V. (1987). Measuring causal attributions for success and failure: A comparison of methodologies for assessing causal attributions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 1248-1257.
- Sekaquaptewa, D.; & Espinoza, P. (2004) Biased processing of stereotypic in congruency is greater for low than high status groups. *Journal of Experimental Social Psychology*, 40, 128-135.
- Sekaquaptewa, D.; & Espinosa, P.; Thompson, M.; Vargas, P.; & Hippel, W. V. (2003). Stereotypic explanatory bias: Implicit stereotyping as a predictor of discrimination. *Journal of Experimental Social Psychology*, 39, 73-82.
- Sidanius, J.; Pratto, F.; & Bobo, L. (1994). Social dominance orientation and the political psychology of gender: A case of invariance? *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 998-1011.
- Wilder, D. A.; & Simon, A. F. M. (1996). Enhancing the impact of counter-stereotypic information: Dispositional attributions for deviance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 276-286.